

بازتاب باورهای مرتبط با آب در
آثار هنری ایلامیان

SID



بخشی از نقاشی دیواری کاخ زیمریلیم؛
حکمران ماری، دوران بابل قدیم، تصویر
اله‌های باکلدانی در دست که رشته‌های
آب از درون آن به اطراف فوران کرده‌اند،
در گوشه سمت راست دیده می‌شود.
(مجیدزاده، ۱۳۸۰)

بازتاب باورهای مرتبط با آب در آثار هنری ایلامیان*

(بررسی نمونه‌های ایزد آب در هنر هزاره‌های سوم و دوم
پیش از میلاد باستان با نگاهی به آثار بین‌النهرین و شهادت)

مریم ابراهیمی پور فرسنگی** دکتر احمد نادعلیان***

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۱۲/۲۳

چکیده

در گذار از مرحله کوچ نشینی به یکجانشینی و اقامت دائم در یک محل، «آب» با خاصیت حیات بخشی خود به عنوان یک رکن اساسی، نقش مهمی را ایفا کرد. سهولت دسترسی به آب، تضمینی برای ادامه زندگی و سکونت محسوب می‌شد. ارتزاق انسان به این ماده وابسته بود و از جهتی مسیرهای آبی، ارتباط دهنده افراد و اقوام با یکدیگر بودند. به تعبیری، تصور زندگی بدون وجود آب، غیر ممکن به نظر می‌رسید. از آن جایی که انسان باستانی برای عوامل تاثیر گذار در جریان زندگی خود، خدایانی در نظر گرفته بود که آن پدیده‌ها را بر مبنای مشیت و خواست خود، ساماندهی می‌کردند، ایزد آب‌ها نیز جایگاه والایی داشت. منطقه باستانی جنوب غرب ایران امروزی؛ ایلام کهن نیز از این قائده، جدا نبود و با توجه به آثار به دست آمده متعلق به ساکنان آن، به وضوح می‌توان به اهمیت این موضوع در آن جا پی برد. شباهت‌های ظاهری انکار ناپذیر میان ایزد آب ایلامی و بین‌النهرین در برخی موارد تشابه کارکرد را هم به دنبال دارد که این مسئله دال بر گستردگی روابط (مسالمت آمیز یا خصمانه) میان آنان است. در این پژوهش نمودهای متفاوت ایزد آب در ایلام (شوش و چغازنبیل) با مد نظر قرار دادن همتای بین‌النهرینی و نیز شهادت، برای پی بردن به معانی و مفاهیم نهفته در آن‌ها بر مبنای روش تاریخی و توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

ایزد آب، ایلام، بین‌النهرین، انکی، آ، بز - ماهی، انسان - ماهی.

* این مقاله مستخرج از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی موجودات ترکیبی در هنر هزاره‌های چهارم تا دوم پیش از میلاد ایران باستان (دامنه‌های جنوبی فلات ایران)» در دانشکده هنر دانشگاه شاهد می‌باشد.

Email: mepf1362@gmail.com

Email: Nadalian@yahoo.com

** کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران

*** استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران

مقدمه

مورد مطالعه قرار گرفته است. با در نظر گرفتن دو تمدن بزرگ بین النهرین و سند؛ به سهولت می‌توان به اهمیت جایگاه آن‌ها پی برد. این سرزمین‌ها به عنوان مناطق تمدن‌ساز؛ در گذرگاه ارتباطی میان دو تمدن مذکور قرار داشتند، پس بدیهی است که در این بین علاوه بر تأثیرپذیری، تأثیرگذار هم بوده باشند. اگر چه عمر حفاری و کاوش‌ها و همچنین حجم آثار اکتشافی از این مناطق نسبت به ایلام و منطقه جنوب غرب ایران کم‌تر است، اما این مساله از اهمیت آن‌ها نمی‌کاهد. البته نمونه خطوط اندکی هم که از این مناطق به دست آمده به طور کامل خوانده نشده‌اند. با وجود این موارد از جهاتی می‌توان در رابطه با آثار به دست آمده صحبت کرد و به شرح و تفسیر آنان پرداخت.

انکی؛ ایزد آب در بین‌النهرین

از دیرباز در میان پدیده‌ها و عناصر طبیعی، آب؛ جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است. ساموئل کریمر در کتاب «الواح سومری»، بحثی در مورد عقاید اولیه بشر درباره شناخت جهان و تکوین عالم مطرح کرد و آفرینش جهان را از دیدگاه سومریان مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که بر مبنای باور آن‌ها، الهه نمّو به عنوان مادری که زمین و آسمان را زایید؛ مطرح شده است. نام این الهه با علاماتی ثبت شده که نشان‌دهنده لغت دریای اولیه می‌باشد. زمین و آسمان در ابتدا به هم پیوسته بودند، تعدادی از خدایان پیش از جدا شدن این دو از هم وجود داشتند و انلیل در نهایت موجب این انفصال شد: «پرووردگار برای ساختن آن چه سودمند است، خداوندی که اراده‌اش تغییر ناپذیر است، انلیل که برای این سرزمین، دانه از خاک رویاند، خواست آسمان را از زمین جدا کند، خواست زمین را از آسمان جدا کند». (کریمر، ۱۳۴۰، ۱۰۲-۱۰۱)

جدایی زمین و آسمان از یکدیگر، گام بعدی را در آفرینش و شکل‌گیری هستی فراهم آورد. در این مرحله، از آمیزش آب‌های شیرین و شور یعنی اِپسو و تیامت، سایر ایزدان آفریده شدند و در نهایت انسان‌ها، حیوانات و گیاهان به وجود آمدند.

طبق عقاید سومریان، اجزای اصلی عالم؛ هوا، آسمان، دریا و زمین هستند و چهار خدا؛ انلیل، آنو، انکی و نینخورسگ به عنوان فرمانروایان یا موکلان این قلمروها می‌باشند به طوری که سایر پدیده‌ها از آن‌ها هستی می‌یابند. با توجه به این موارد، آب و نقش مهم آن در شکل‌گیری حیات مطرح می‌گردد و خاصیت «حیات بخشی» آن کاملاً روشن می‌شود. انکی / اا؛ خدای اقیانوس آب شیرین زیرزمینی یا آب‌های ژرف (Abzu)؛ با حکمت، خرد، سحر و جادو، هنرها و صنایع مدنی ارتباط داشت: «وی در مقام ایزد دانش با شمش پیوند داشت. غیب‌گویی می‌کرد و برای افسون‌گری فرا خوانده می‌شد، اما بر اعمال انسان نیز نظارت داشت. درودگران، سنگ بُران و زرگران، او را به عنوان پشتیبان

پیش از ورود آریایی‌ها به حوزه ایران امروزی، این سرزمین پذیرای مردمی شد که به عنوان پایه‌گذاران یکی از درخشان‌ترین تمدن‌های ایرانی قلمداد می‌شوند. پرستش خدایان، اعتقاد به قدرت‌های ماورای طبیعت، تقدیس زن و غیره از جمله برخی وجوه شاخص تمدن ایلام هستند که به ویژه در آثار هنری به دست آمده از آن‌ها نمود پیدا کرده‌اند. همسایگی باین‌النهرین، دادوستدهای تجاری بین این مناطق، درگیری‌ها و جنگ‌های مداوم و از همه مهم‌تر ثبت و ضبط این رویدادها به واسطه «خط»؛ امکان بررسی تاریخ این دو سرزمین را به بهترین شکل به وجود آورده است. با توجه به این که خط ایلامی آغازین^۱ هنوز به طور کامل خوانده نشده، همین موضوع باعث پوشیده ماندن اسرار مربوط به این سرزمین شده، به همین علت است که موضوعی تحت عنوان اساطیر ایلامی وجود ندارد تا بر مبنای آن بتوان به تفسیر و توضیح آثار به دست آمده پرداخت. از آن جایی که این دو تمدن کهن، طی مدت‌های طولانی با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند و نیز به علت تشابه فراوان میان آثارشان، می‌توان در برخی موارد از اسطوره‌های بین‌النهرینی در جهت تفسیر آثار ایلامی استفاده کرد.

ایزد آب در هر دو منطقه به وفور نمود پیدا کرده و این موضوع به خودی خود حاکی از اهمیت آب در این نواحی می‌باشد. با توجه به تنوع نقشمایه‌های مرتبط با این ایزد طی هزاره‌های سوم و دوم پیش از میلاد که مبنای این پژوهش می‌باشد می‌توان گفت ایزد آب در گذر زمان هم چنان اعتبار خود را حفظ کرده بود. در این پژوهش سعی شده نموده‌های متفاوت ایزد مذکور در ایلام (شوش و چغازنبیل) با مد نظر قرار دادن همتای بین‌النهرینی، برای جهت‌پی بردن به معانی و مفاهیم نهفته در آن‌ها، بر مبنای روش تاریخی و توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گیرند.

در این مجال ابتدا کارکردها و مفاهیم این ایزد در بین‌النهرین مورد مطالعه قرار گرفته و در ادامه بر مبنای یافته‌های به دست آمده با ورود به سرزمین کهن ایلام، جلوه‌های متفاوت آن بررسی شده‌اند. ایران شناسان برجسته‌ای همچون والتر هینتس، ادیث پرادا، پیر آمیه، یوسف مجیدزاده و علی حاکمی در آثار خود به این موجودات اشاره کرده‌اند، نتایج کاوش‌های فرانسویان در شوش^۲ را نیز نباید نادیده گرفت. در بررسی علاوه بر موارد مشابه، نمونه‌هایی منحصر به ایلامیان نیز جای گرفتند.

به این ترتیب مشخص شد که این مردم، مقلدان صرف هنر بین‌النهرین نبودند، بلکه ذوق و خلاقیت آن‌ها چنان در این امر دخیل می‌شد که از محصول وارداتی تنها به عنوان یک ماده استفاده می‌کردند و شکل و رنگی بومی به آن می‌بخشیدند.

مناطق باستانی جنوب شرق ایران و به طور خاص ناحیه باستانی شهداد (خبیص کهن) در استان کرمان نیز

1- Proto-Elamite

۲- مجموعه کتب ارزشمندی که حاصل فعالیت‌های گروه‌های مختلف باستان‌شناسی فرانسوی در ایران است و تحت عنوان MDP شناخته می‌شود و جای بسی افسوس است که هنوز ترجمه نشده‌اند. این منابع ارزشمندی که بخش بزرگی از تاریخ تمدن ایران را در دل خود ثبت کرده‌اند و دستاوردهای باستان‌شناسانه فرانسویان از سال ۱۸۹۷ تا ۱۹۷۶ میلادی را شامل می‌شود: د. مورگان، لامیر، گوتیه (Goutier)، شیل (V. Scheil)، د. مکتم (de Macque nem)، گیرشمن، آمیه، لوپرتون (L. Lebréton)، واکر (J. Walker)، پزارد (G. Pezard) و بسیاری دیگر در زمره کسانی بودند که در تألیف این مجموعه‌ها نقش داشتند.



تصویر ۲- اثر مهر استوانه‌ای اکدی، وزیر دوچهره؛ ایسمود، پرنده انسانی را به حضور آ می آورد، ماخذ: بلک و گرین، ۱۸۳، ۱۲۸۲



تصویر ۱- اثر مهر استوانه‌ای اکدی، ۲۲۰۰-۲۳۰۰ ق.م. بین‌النهرین، ماخذ: www.Britishmuseum.org

1-Usmu

۲-ارنست هرتسفلد که کورانگان را برای نخستین بار در سال ۱۹۲۴ میلادی شناسایی کرد، در مورد تاریخ این اثر می‌گوید: «... باید در دوره تجدید حیات و رستاخیز کشور ایلام - پس از پایان دوره تسلط اکدی‌ها بر این سرزمین یعنی در روزگار شاه ایلامی؛ پوزور اینشوشینک که معاصر گودا بر سومر بوده است. ساخته شده باشد.» (هرتسفلد، ۱۹۶، ۱۳۸)

لویی واندربرگ در کتاب «باستان شناسی ایران باستان» تاریخ این اثر را مربوط به اواخر هزاره ی سوم ق.م دانسته است (واندربرگ، ۱۳۷۹، ۵۹). یوسف مجیدزاده بر این باور است که این نقش برجسته؛ نموداری از آیین پرستش در ایلام است که در محل‌های مرتفعی همچون کورانگان که طبیعی بوده یا زیگورات چغازنبیل که به طور مصنوعی ایجاد شده بود انجام می‌گرفت. وی این اثر را متعلق به دوران ایلام جدید می‌داند و به این ترتیب تاریخ آن را قرون هشتم تا هفتم پیش از میلاد ذکر می‌کند (مجیدزاده، ۱۳۷۱، ۹۷).

به اعتقاد ادیث پرادا؛ این اثر متعلق به دوران ایلام میانی می‌باشد و در زمانی بین قرون پانزدهم تا یازدهم میلادی شکل گرفته است (پرادا، ۲۰۲۰، ۸۲). اورسولا سایدل در کتاب خود با عنوان «یادمان‌های ایران: نقوش برجسته صخره‌ای در ایران؛ نقوش برجسته ایلامی کورانگون و نقش رستم» صحنه اصلی این نقش برجسته را به سده هفدهم ق.م نسبت می‌دهد و ردیف نیایشگرانی را که در گروه‌های متعدد از پله‌های فضای مسطح بالای صخره به سوی صحنه اصلی سرازیر می‌شوند، متعلق به زمانی جدیدتر می‌داند. همچنین وی ذکر می‌کند: از آنجایی که این اثر، کتیبه‌ای ندارد؛ نمی‌توان پادشاهی را که به فرمان او این حجاری‌ها انجام گرفته و نیز نام دو خدا را شناسایی کرد (مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ۱۳۳۷، ۸۱).

3-Walter Heinz

۸۷

شماره ۲۱ بهار ۹۱

مهم است: الهه عنقریب به پرواز در می آید، خدای خورشید در حال بالا آمدن از کوه است و حالت قرار گرفتن پای آ، حرکت او را در صعود به بالای کوه نشان می‌دهد.

در برخی مواقع الهه گان یا ایزد بانوانی، ظرفی گلدان مانند به دست دارند که رشته‌های آب از درون آن به اطراف جاری شده‌اند. بنا به گفته دکتر یوسف مجیدزاده در نقاشی‌های دیواری کاخ زمیری لیم در ماری و در صحنه اعطای موهبت شاهی، قدیمی‌ترین نمونه الهه‌هایی را می‌بینیم که ظرفی به دست دارند و آب از درون آن‌ها در چندین جهت فوران دارد. (تصویر ۴) «در صحنه اصلی، پادشاهی را می‌بینیم که ردایی بلند بر تن و کلاه بیضی شکلی بر سر دارد. لپه‌های ردا با دو ردیف پیراق شرابه دار تزئین شده است. شاه، دست راست خود را به رسم آن زمان به حالت احترام بالا آورده و رو به سمت راست در برابر الهه ای با لباس بلند و دامن چاک دار ایستاده است. الهه پای راست را بر پشت شیر نشسته ای نهاده است. در زیر این صحنه دو الهه دیگر را می‌بینیم که هر یک ظرفی به دست دارند که نهرهای آب از درون آن‌ها از چندین جهت جاری است و ماهی‌ها در جریان آب، بالا و پایین می‌روند.» (مجید زاده، ۱۳۸۰، ۱۱۸)

ایزدان آب در ایلام

در نقش برجسته ایلامی کورانگان^۲ این نقشمایه به وضوح دیده می‌شود. (تصویر ۵) زنده یاد بهار این اثر را بر مبنای تاریخ پیشنهادی والتر هینتس^۳ که آن را به دو هزار و پانصد پیش از میلاد نسبت می‌دهد و می‌گوید ممکن هست تا هزار و ششصد و یا هفتصد پیش از میلاد هم بشود آن را پایین‌تر و نزدیک‌تر آورد - قدیمی‌ترین نقش روی سنگ



تصویر ۳- مهر استوانه‌ای متعلق به «اد» کاتبشاهی، حدود ۲۲۰۰-۲۳۰۰ ق.م، ماخذ: www.Britishmuseum.org

خویش می‌پرستیدند. حتی گاهی آفریننده انسان به شمار می‌آمد و گمان می‌بردند که انسان را با گل رس ساخته است.» (ژیان، لاکوئه، دلاپورت، ۱۳۷۵، ۶). بنا به تعبیری که کریمر مطرح کرده، سازمان زمین و سیر مدنیت، به عنوان فعالیت‌های خلاق انکی در ایجاد پدیده‌های طبیعی و فرهنگی ذکر شده است. در بین‌النهرین، شهر اریدو به عنوان اقامتگاه زمینی انکی قرار داشت. همسر او که چهره‌ای نسبتاً ابهام‌آمیز دارد، نینکی، بانوی زمین می‌باشد که دامکینا یا دامگالونا نیز خوانده می‌شود. وزیر وی، خدای دو چهره یعنی ایسمود / اوسم^۱ بود.

«در حماسه‌های اتره - هسیس و گیلگمش؛ او انکی [بخشی از وجود انسان را علیه خدایان برانگیخت و بشر را برای فرار از سیل بزرگ که با تصمیم خدایان دیگر فرستاده شده بود، یاری نمود.» (بلک و گرین، ۱۳۸۳، ۱۲۸)

تمثال انکی به صورت خدایی ریش دار که کلاهی شاخ دار بر سر گذاشته و ردای بلند چین‌داری به تن دارد، به تصویر کشیده شده است. نمونه آثاری وجود دارند که او را نشسته در بنایی که پیرامونش با جریان‌های آب محصور شده یا قایقی که در آب‌های رودخانه یا مرداب حرکت می‌کند، نشان می‌دهند. این بنا را ایزو یا - ایزو (معبد انکی در اریدو) تعبیر کرده‌اند. انکی را بیش تر مواقع در حال پذیرفتن پرستش گران و حاملان پیشکش‌ها نشان داده‌اند. صحنه‌هایی وجود دارند که ایسمود؛ وزیر انکی، پرنده - انسان یا دیو - شیر یا پرستشگران را به حضور این خدا می‌آورد. (تصویر ۱ - ۲) نشان ویژه انکی، رشته‌های آب است که از بازوانش رو به پایین جریان دارند و گاهی ماهی‌های کوچکی در این ریزش آب، شناور هستند. (تصویر ۳) الهه اینانا با سلاح برشانه‌ها در این مهربال داراست و آ با نهرهای آب جاری از شانته‌های حالت فاتحان را دارد.

چنین حالتی برای این نوع خدا به ندرت دیده می‌شود و بنابر این می‌بایست با فعالیت خاصی ارتباط داشته باشد. هردو ایزد در لحظه ظهور خدای خورشید در مرکز کوهی بزرگ که بر آن درختی روئیده، به حضور او بار یافته‌اند. عقابی با بال‌های گشوده در زاویه ای تند به سمت خدای خورشید فرود می‌آید و ایسمود، ارباب خویش را همراهی می‌کند. بنابر این اسطوره روی مهر؛ نمایش عروج سه خدای



تصویر ۴- بخشی از نقاشی دیواری کاخ زیربلیم؛ حکمران ماری، دوران بابل قدیم، تصویرالهیهای باگلدانی در دست که رشته‌های آب از درون آن به اطراف فوران کرده‌اند، در گوشه سمت راست دیده می‌شود. (مجیدزاده، ۱۳۸۰)

آب «است. وی با بدنی شبیه فلس ماهی، موهای بافته، تاجی با یک شاخ تزئینی و یک گوش حیوان نمایش داده شده است. از زیر پاهای الهه مذکور، آب فوران می‌کند. امواج آب از سمت چپ و راست وی بعد از عبور از درون یک ظرف مخصوص به وسیله دست‌های وی در جلو سینه به هم متصل می‌گردند و سپس مجدداً از طریق شانه‌های وی عبور کرده، به درون دو ظرف مخصوص دیگر جریان پیدا می‌نمایند» (صراف، ۱۳۸۴، ۲۸).

یوسف مجیدزاده هم در توصیف این نقش عنوان داشته که: «نمایش کوه به صورت فلس ماهی، سنتی است بسیار کهن در میان هنرمندان بین‌النهرین. اما پاهای الهه‌ها در سنگ یادمان اونتاش‌گال، به صورت دو رشته آب از زیر دامن آن‌ها در دو سمت مخالف جریان می‌یابد. این رشته آب‌ها در واقع دو چشمه آب را نشان می‌دهند که از دامنه کوه خارج می‌گردند. این نقشمایه که برای نخستین بار در هنر خاور نزدیک مشاهده می‌شود، از ابتکارات حجاران ایلامی است و در واقع به همین دلیل است که الهه‌ها بر خلاف همه سنت‌های کهن، ظرف فواری در دست ندارند» (مجیدزاده، ۱۳۷۱، ۸۱).

«اما نوع مذکر چنین موجودی بر روی تزئینات یک کلاهخود متعلق به دوران ایلام‌میانی نقش شده است. خدای آب‌ها با ریش و کلاه شاخ‌دار که در میان دو الهه قرار گرفته، ظرف گلدان‌مانندی را به دست گرفته که از درون آن، آب به بیرون جریان دارد. نکته قابل توجه این که پایین‌تنه این خدا هم با فلس‌های ماهی نشان داده شده است که در مورد آن توضیح داده شد. این خدا یا اینشوشینک و یا نبی ریشه می‌باشد. چنین کلاهخودی توسط جنگاوری و الامقام‌واحتمالاً در مناسبت‌های ویژه مورد استفاده قرار می‌گرفت».

نمونه دیگری از این الهه‌ها را می‌توان در اثر مهر استوانه‌ای به دست آمده از شوش دید. در این جا خدای آب

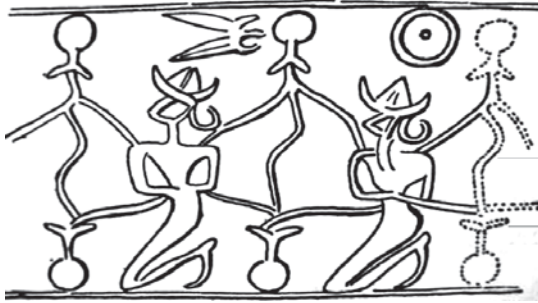
در ایران و متعلق به اولین سلسله ایلامی [اوان] ذکر کرده و توضیح داده اند که: «آن وسط، صندلی گذاشته‌اند که به سنت ایلامی؛ ماری است که چند بار روی خودش چنبره زده یا حالا شاید سیلی از مارها چنبر زده [اند]؟ طوری که این، صندلی است و ایزد روی آن نشسته [است]... ایزدی هست که ایزد کوهستان‌هاست. ایزد کوهستان‌ها در واقع آب آور است. این ایزد، نشسته؛ از جلوی او آب عظیمی بلند می‌شود تا آسمان او دست ایزد آن را دو پاره می‌کند [که نیمی از آن از آفران] سر ایزد می‌رود پشت سر او [و از فراز سر همسرش هم] می‌گذرد او به پیروان می‌رسد و نیم دیگر آن به سمت مقابل [ایزد] به سمت پادشاه و درباری‌ها می‌رود.

خیلی صحنه جالبی است از خدای آب و اهمیت آب در منطقه. نبی‌ریشه؛ خدای کوهستان است و این آب‌آوری‌ها با اوست... نبی‌ریشه؛ خدای آب بین‌النهرین است که اسم ایلامی‌اش این است... این نشان می‌دهد که از قدیم‌ترین ایام که ما اثری داریم، آب مطرح [بوده] است. برعکس آن چه عده ای گمان می‌کنند [ایران] دو هزار سال پیش، یک سرزمین پر آب نبوده، قدیم ترها بوده ولی می‌خشکد؛ به این علت که بارانی به این سمت از چهار یا پنج هزار سال پیش دیگر به آن صورت نمی‌آمده، کم کم [دچار کم آبی شده] خشکیده [شده بود]». (بهار، ۱۳۷۶، ۵۴۵-۵۴۴)

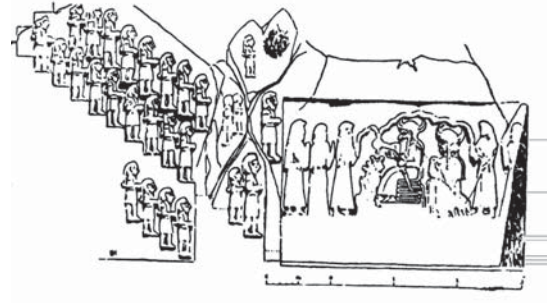
هینتس؛ ایلام‌شناس برجسته آلمانی، «خدای بر تخت نشسته را که ظرف آبی در یک دست و سر ماری در دست دیگر دارد، هومبان، خدای آسمان ایلام معرفی می‌کند و الهه‌ای را که در کنار وی به همان ترتیب جلوس نموده، زن او؛ کیری‌ریش می‌داند» (صراف، ۱۳۸۴، ۲۳). «نقش برجسته کورانگان مسلماً تاثیر سومری‌ها را در نمایش زوج الهی با کلاه‌های شاخ‌دار و ظرف فوار عرضه می‌دارد، اما در مجموع ویژگی‌های ایلامی است که غلبه دارد. این ویژگی‌ها عبارتند از: حرکت مردم بر روی پلکان و استفاده از چنبره مار به عنوان تخت برای خدا» (مجیدزاده، ۱۳۷۱، ۹۷).

در بین مهرهای استوانه‌ای مکتشفه از شوش، مهری به دست آمده که صحنه روی آن نشان‌دهنده خدایانی می‌باشد که زانو زده‌اند و بنا به نظر ادیث پرادا؛ «آن چنان با جریان آب‌ها محصور شده‌اند که گویی از شانه و بازوان یا دست‌های آن‌ها آب جاری می‌گردد» (پرادا، ۲۰۳۵، ۵۳).

باید توجه داشت که ایلامی‌ها فقط مقلد همسایه پرنفوذ خود نبودند. درست است که در موارد زیادی، تشابهات غیر قابل تشخیصی بین آثار این دو سرزمین وجود دارد ولی خلاقیت هنرمندان ایلام را نباید نادیده گرفت. در مورد الهه‌هایی که ظروف آب فوار به دست دارند این نکته قابل ذکر است که نمونه این الهه در ایلام به صورت زنی که نیمی از بدنش جریان آب می‌باشد، دیده شده که به وضوح در لوحه سنگی اونتاش‌گال به چشم می‌خورد. (تصویر ۷) محمدرحیم صراف در کتاب «مذهب قوم ایلام» از این الهه با نام اوتیکا یاد و او را این گونه توصیف کرده است: این رب‌النوع، «الهه



تصویر ۶- اثر مهر استوانه‌ای با نقش خدایان آب، دوران ایلام میانی، چغازنبیل، موزه ایران باستان، ماخذ: پرادا، ۱۳۸۵، ۴۷



تصویر ۵- نقش برجسته کورانگان. فهلیان فارس، ماخذ: صراف، ۱۳۸۴، ۱۵۸



تصویر ۷- الهه آب، قسمتی از لوحه سنگی اونتاش‌گال، ۱۳۰۰ ق. م. شوش، ماخذ: پرادا، ۲۵۳۵، ۸۱

مهر که سالم مانده، مشاهده کرد. مشابه اثر قبلی، خدا بر چهارپایی نشسته و پاهایش را بر روی یک بز- ماهی گذاشته، اما این جا در برابر او، دو نفر که یکی از آن‌ها ایستاده و دستانش را احتمالاً به نشانه‌ی تضرع بالا برده و دیگری که بریک پا زانو زده؛ قرار گرفته‌اند. الهه آب‌ها نیز در پایین صحنه و در بخش زیرین محل قرارگیری خدا جا گرفته است. (تصویر ۱۲)

بز- ماهی و انسان- ماهی از موجودات وابسته به خدای آب بودند. البته ارتباط ماهی با خدای آب‌ها، رابطه‌ای طبیعی به شمار می‌رفت. از آن جا که انکی؛ خدای خردمندی بود، ماهی نیز نماد عقل و خرد محسوب می‌شد.

بز- ماهی با سر و پاهای جلویی به شکل بز و بدنی به

در حالی که کوات آب از بازوانش رو به پایین روان است و ماهی‌ها هم در آن شناور می‌باشند، ایستاده و دست راست خود را در برابر سینه نگه داشته، با دست چپش ظرف گلدان ماندنی را گرفته که از آن هم دو رشته آب جاری می‌باشد. او پای خود را بر روی یک بز- ماهی قرار داده و دو الهه به واسطه جریان آب‌هایی که پایین‌تنه آن‌ها را تشکیل داده، به هم متصل شده‌اند و قایقی را برای خدای آب به وجود آورده‌اند. هر کدام از آن‌ها، ظرفی را به دست گرفته و به این طریق با جریان آب‌های روان ارتباط پیدا کرده‌اند. قرص خورشید و هلال ماه هم به نشانه‌های خدایان خورشید و ماه، پشت سر او قرار گرفته‌اند. الهه‌ای جلوی ایزد و پشت به او در حالی که هر دو دستش را بالا آورده، ایستاده است. الهه همانند ایزد آب، کلاه شاخدار ایزدان را بر سر گذاشته است. هر دوی این خدایان در حال نظاره صحنه‌ای می‌باشند که دو موجود انسانی در حال مغلوب کردن فردی می‌باشند که در برابر آن‌ها زانو زده و دست‌ها را به حالت تضرع بالا آورده است. (تصویر ۹)

اثر مهری خدای آب را ایستاده و در حالی که از شانه‌هایش، دو رشته آب جریان دارند، نشان می‌دهد. در برابر وی فردی روی یک پا، زانو زده و با دست خود شیئی مانند بیل را گرفته است. در دو سوی این صحنه، دو شاخه گیاه قرار گرفته‌اند. احتمالاً این موضوع اشاره‌ای به اهمیت خدای آب در بهبود وضعیت کشاورزی و نقش مهم و تردید ناپذیر وی در این زمینه می‌باشد. (تصویر ۱۰)

علاوه بر این، اثر مهر دیگری ایزد آب را نشان می‌دهد، هر چند که قسمت بالایی مهر مخدوش شده و از بین رفته، با این حال با توجه به سایر عناصر صحنه می‌توان به هویت او پی برد. وی بر روی حیوان شاخ داری نشسته و دو پای خود را بر روی یک بز- ماهی قرار داده است. در مقابلش فردی ایستاده که دستانش را برای نگه داشتن شیئی که احتمالاً پیشکشی به درگاه او می‌باشد، بالا آورده است. در گوشه صحنه و در بخش زیرین محل قرارگیری این ایزد، یک الهه با نیم‌تنه‌ای به صورت جریان آب قرار گرفته است. (تصویر ۱۱)

نمونه دیگری از این الهه را می‌توان بر بخشی از اثر یک



تصویر ۸- کلاه خود، سده چهاردهم ق.م، دوره ایلام میانی، جنوب غربی ایران، موزه متروپولیتن، ماخذ: www.Metmuseum.org



تصویر ۹- مهر استوانه‌ای مکشوفه از شوش، ماخذ: Amiet, ۱۹۷۲



تصویر ۱۰- مهر استوانه‌ای، مکشوفه از شوش، ماخذ: Ibid

گرفت و او را به عشق مرد جوانی از مردم شهر گرفتار کرد، با این که نزدیکی یک الهه با موجودی فناپذیر، مایه سرافکنندگی اوست، درستو خودداری نتوانست و با آن جوان ازدواج کرد و از این پیوند، دختر به وجود آمد» (گریمال، ۱۳۸۷: ۱۲۷)

بنا بر این روایت مشخص می شود مادر سمیرا میس، زن- ماهی ای بوده که در یک دریاچه، فرمانروایی ماهیان را بر عهده داشته است. این ایزدان در واقع محافظ این مکان‌ها و موجودات بودند و با توجه به این موضوع می توان ارتباطی بین آن‌ها و انسان- ماهی‌ها برقرار کرد، احتمالاً این مخلوقات افسانه‌ای توسط انکی برای محافظت از رودها و ماهی‌ها آفریده شدند.

ایلام در دوران سلسله سوم اور و اکد به شدت زیر نفوذ فرهنگ و تمدن بین‌النهرین قرار داشت. مجیدزاده معتقد است با وجود این مساله؛ «تأثیر آیین‌های مذهبی اور و اکد

شکل ماهی که از دوره نو- سومری در بین‌النهرین متداول شد، بیش تر به عنوان چهارپای انکی مطرح بود، به این معنا که یا بر روی آن می‌نشست و یا همان گونه که نمونه‌هایش دیده شد، خدا بر تخت یا حیوانی می‌نشست و پاهایش را بر روی بز- ماهی قرار می داد. عنوان این موجود در بین‌النهرین؛ سوهور مشوبود.^۱ «این پیکره همچنین می توانست به طور کلی یک نوع محافظ جادویی باشد که اغلب در نقوش تصویری با آدم دریایی^۲ همراه بوده است.» (بلک و گرین، ۱۳۸۳: ۱۵۸)

از دوره ایلام میانی سنگ نگاره ای با تزئین بز- ماهی به دست آمده که در بخش عتیقات خاور نزدیک موزه لوور نگهداری می شود. این موجودات که پشت به پشت هم قرار گرفته اند، حوضی آئینی- از جنس سنگ آهک- را آراسته‌اند. در توضیح مربوط به این نقش این گونه آمده: «بز- ماهی‌ها نماد آب‌های شیرین ژرف؛ قلمرو خدای آآ می باشند».

یکی دیگر از موجودات مرتبط با انکی؛ مخلوقات نیمه انسان- نیمه ماهی یا انسان‌های دریایی می باشند که با سر، بازوان و بالاتنه انسان و پایین تنه و دم ماهی در بیش تر ادوار هنر بین‌النهرین از دوران بابلی کهن به بعد وجود داشته‌اند. «آشوری‌ها این مخلوق را صرفاً به عنوان کولولو^۳ ماهی- انسان می‌شناختند. او نه به عنوان نماد رب‌النوعی خاص بلکه با طبیعت در مجموع محافظش، ظاهراً گاهی رابطه‌ای منطقی و ویژه با خدای آب یعنی آآ داشته و به عنوان یکی از مخلوقات اپسو شناخته می‌شده است. در هنر نو- بابلی، نو- آشوری و بابلی کهن که گاه نوع مؤنث این پیکره ظاهر می‌شود و شاید کولیل تو احتمالاً به معنای زن- ماهی باشد.» (بلک و گرین، ۱۳۸۳: ۲۱۶)

در اسطوره‌آفرینش بابلی به ماهی- آدمیان به عنوان دسته‌ای از مخلوقات تیامت برای جنگ با سایر ایزدان اشاره شده است: «... و مارهای غول آسا با دندان‌های تیز و بی‌رحم در کشتار، سگ‌های ددخوی، کژدم- آدمیان، گردبادهای خشم‌آگین، ماهی- آدمیان و قوچ‌ها را زاد...» (ژیران، لاکوئه، دلاپورت، ۱۳۷۵: ۵۹)

در اساطیر سومری آمده انکی؛ امور زمین را بر حسب تصمیمات انلیل حل و فصل می‌کرد، به این ترتیب که انلیل، تصمیم کلی می‌گرفت و انکی با خردمندی و چیره‌دستی به آن تصمیمات، جامه عمل می‌پوشاند. در شرح یکی از فعالیت‌های این خدا آمده که: «... به سوی دجله و فرات می‌رود و هر دو رودخانه را پر از آب صاف و زلال می‌کند و خدایی به نام انبیلولو را به سرپرستی این دو رودخانه می‌گمارد. سپس رودخانه‌ها را پر از ماهی می‌کند و خدایی به نام سپر کیش^۴ بر آن‌ها می‌گمارد...» (کریمر، ۱۳۴۰: ۱۱۷)

در اساطیر آشوری بخشی از داستان «تولد سمیرامیس»، بانویی که به پادشاهی رسید- این گونه وصف شده: «در نزدیکی‌های آسکالون، دریاچه ای پر از ماهی بوده که الهه‌ای به نام درستو^۵ بر آن حکومت می‌کرد. این الهه؛ سر زن و قامت ماهی داشت. روزی الهه آستارته بر درستو خشم

1- Suhurmasu
2 - Mer man
3 -Kullullu
4-Son of kish
5-Derceto



تصویر ۱۴- پیکره زن- ماهی. دوره ایلام میانی، ۱۲۰۰-۱۴۵۰ ق.م. جنوب غربی ایران، نزدیک تنگ سروک، ماخذ: www.Britishmuseum.org

می گوید بخشی از یک صندلی بوده که البته این موضوع را وجود سوراخ‌هایی برای پرچ کردن میخ‌ها تایید می‌کنند. این الهه برنزی را مانند سایر خدایان بر تخت نشسته ساخته‌اند و جالب این که از پشت با یک زاویه نود درجه به بدن یک ماهی وصل شده است. (تصویر ۱۴)

آمیة این نوع الهه‌ها را «خویشاوند الهه‌هایی می‌داند که نیمی از بدن شان به صورت امواج آب بوده و قلمروی خدای مفاک و گرداب را مجسم می‌ساخته‌اند و شاید رییس و سر دسته همه ارباب انواع ایلامی شبیه او بوده باشد. از زمان سوکل‌مخ‌ها به بعد گاهی نقوشی در دست است که همین رب‌النوع و یا رب‌النوعی مشابه آن را نشان می‌دهد که روی ماری پیچ خورده، نشسته و خلاصه نقوش بعدی، مشارکت او را با آب‌های زیرزمینی نشان می‌دهد». (آمیة، ۱۳۴۹)

قابل توجه است که نمونه‌های مشابه این اثر حدود هفتصد سال بعد در دوران پادشاهی شوتور نهونته؛ پسر ایندند (۵۳۹-۵۸۵ ق.م) هم ساخته شدند که طی کشفیات اخیر از جوبجی واقع در شهرستان رامهرمز در استان خوزستان به دست آمده‌اند. (تصاویر ۱۵، الف و ب)

با توجه به ظرفی که یکی از این پیکره‌ها بر روی آن قرار دارد، می‌توان به چگونگی استفاده از آن‌ها به عنوان بخشی از اشیای بزرگ‌تر پی برد. در محل اتصال دسته به ظرف، پیکره زنی به حالت نشسته، قرار دارد که از ناحیه دم متعلق به ماهی توسط میخ‌هایی به دسته پرچ شده است. این زن دست‌های خود را در جلوی سینه به حالت دعا کردن بالا آورده و به این طریق کاربرد آیینی این ظروف مشخص می‌شود. چه در این اثر و چه در نمونه قبلی، آن چه اهمیت بسیار دارد ظرافت به کار رفته در پرداخت و شکل دادن این آثار است که در آرایش مو، حالت صورت، تزئینات لباس و به ویژه دامن و حتی در گذاشتن خطوط کف دست به خوبی مشهود است. (تصاویر ۱۵، الف و ب)

نمونه دیگری از نقش زن- ماهی در اثر مهری وجود



تصویر ۱۱- اثر مهر استوانه‌ای، مکشوفه از شوش، ماخذ: (Ibid)



تصویر ۱۲- اثر مهر استوانه‌ای مکشوفه از شوش، Ibid

بر مذهب ایلامی اندک بود. در برابر، شوش در زمینه اصول و معتقدات مذهبی با اور (اریدو)؛ شهر مقدس آ-خدای آب‌ها و حکمت- رابطه نزدیکی برقرار کرده بود، نمونه‌های متعددی از این ارتباط مانند: تصاویر افسانه‌ای نیمه گوزن- نیمه ماهی یا نیمه انسان- نیمه ماهی را می‌توان در نقوش برجسته و مهرها مشاهده کرد». (مجیدزاده، ۵۷، ۱۳۷۱)

با توجه به آن چه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت نقشمایه موجودات ترکیبی نیمه انسان- نیمه ماهی از بین النهرین وارد ایلام شده بود. ولی همان طور که پیش از این هم بیان شد، ایلامیان مقلدان صرف هنر بین النهرین نبودند، بلکه ذوق و خلاقیت آن‌ها چنان در این امر دخیل می‌شد که از محصول وارداتی تنها به عنوان یک ماده استفاده می‌کردند و شکل و رنگی بومی به آن می‌بخشیدند. یکی از خلاقانه‌ترین موجوداتی که به همین شکل در ایلام شکل گرفت؛ زن- ماهی است. بر اساس مجسمه‌ای که از این موجود به دست آمده؛ پیر آمیة



تصویر ۱۳- بخشی از حوض آئینی که موجوداتی با سر بز کوهی و دم ماهی را نمایش می‌دهد، سنگ آهک، دوره ایلام میانی (۱۱۰۰-۱۵۰۰ ق.م)، شوش، ماخذ: موزه لوور



تصویر ۱۵ ب- پیکره زن- ماهی از بالا، (همان)



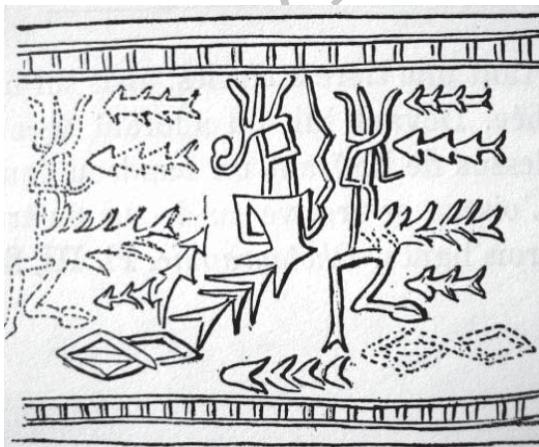
تصویر ۱۵- ظرف آیینی با پیکره زن- ماهی، جو بَجی، رامهرمز، دوره ایلام نو (۵۳۹- ۵۸۵ ق.م)، ماخذ: نگارندگان



تصویر ۱۵ الف- پیکره زن، ماهی از نمای نزدیک تر، (همان)



تصویر ۱۶- اثر مُهر استوانه‌ای، مگشوفه از شوش، در این جا یک زن- ماهی در گوشه سمت راست (بالا) و یک بز- ماهی در زیر پاهای خدای بر تخت نشسته دیده می‌شود، ماخذ: Amiet, 1972



تصویر ۱۷- اثر مُهر استوانه‌ای، دوران ایلام میانی، چغازنبیل، ماخذ: پرادا، ۲۰۱۳، ۳۷

دارد که پیش تر در مورد آن توضیح داده شد. در این اثر مُهر چنانچه توجه شود، در سمت راست بالای تصویر، زن- ماهی ای در پشت سر فرد پرستش‌گر قرار گرفته و دستانش را به حالت نیایش بلند کرده است. (تصویر ۱۶)

تصویر، مُهر استوانه‌ای دیگری که از چغازنبیل به دست آمده؛ «نشان‌گر خدایی است که به نظر می‌رسد حوزه او در عمق آب‌ها قرار دارد. سر که شب کلاهی شاخ دار بر روی آن قرار دارد و بالاتنه متعلق به انسان هستند ولی بقیه بدن، دم یک ماهی است که به لوزی‌هایی ختم شده است. در مقابل خدا، حیوان عجیب الخلقه‌ای قرار گرفته که او هم کلاه شاخ داری بر سر دارد. مشکل بتوان گفت که آیا او هم چهره انسانی دارد. ساق‌های او از یک حیوان سم‌دار است ولی دم او، دم یک ماهی است.» (پرادا، ۲۰۱۳، ۴۲) (تصویر ۱۷)

ایزد بانوی آب در شهادت

مُهر استوانه‌ای شکل از سنگ سفید نرم که بر روی آن، نقش ایزد بانوان حاصل‌خیزی و آب حک شده است. (تصویر ۱۸) با وجود ساییده شدن سطح مُهر، موضوع صحنه روی آن را می‌توان به وضوح تشخیص داد. نقوش اصلی عبارتند از: الهه حاصل‌خیزی که روی زمین نشسته، دست راست خود را بالای سر نگه داشته و دست چپ را به سمت جلو گرفته است. از سر شانه‌هایش؛ دو خط ضخیم مایل شبیه نیزه خارج شده‌اند. احتمالاً این‌ها خوشه‌های گندم هستند که نشانه زراعت و حاصل‌خیزی می‌باشند. دو بزکوهی در دو سوی الهه قرار گرفته‌اند که پشت به پشت بر زمین نشسته و سرها را به طرف الهه برگردانیده‌اند. اما الهه دیگری هم به صورت ایستاده ترسیم شده است. از دو طرف بدن او، دو رشته پهن موج به نشانه جریان آب به طرف پایین امتداد یافته است؛ «هنرمند سازنده مُهر؛ پیوند و سازندگی آب و زراعت

را در این مهر به نمایش گذاشته است» (حاکمی، ۱۳۸۵، ۱۵۱) وجود ایزدبانوان آب که البته با توجه به شرایط آب و هوایی این منطقه کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد، در ایلام و بر روی آثار ایلامی هم سابقه داشته است. این موضوع نشان دهنده این است که وجود آب در هر دو منطقه اهمیت داشته و متوسل شدن به خدایان آب برای ازدیاد این نعمت، امری بدیهی بوده است.



تصویر ۱۸- اثر مهر استوانه‌ای، شهداد، ماخذ: Hakemi, 1997, 661

نتیجه

بنا به اسطوره آفرینش سومری‌ها، الهه نمّو؛ دریای اولیه به عنوان مادری که زمین و آسمان را زایید، مطرح شد. بعد از جدا شدن زمین و آسمان، به واسطه آمیزش آب‌های شور و شیرین؛ اِپسو و تیامت، سایر ایزدان آفریده شدند و در نهایت انسان‌ها، حیوانات و گیاهان به وجود آمدند. انکی/آ؛ خدای اقیانوس آب شیرین زیر زمینی یا آب‌های ژرف به شمار می‌آمد که با حکمت، خرد، سحر و جادو، هنرها و صنایع مدنی ارتباط داشت. تمثال انکی به صورت خدایی ریش دار که کلاهی شاخ دار بر سر و ردای بلند چین داری به تن دارد، در حالی که رشته‌های آب از بازوانش رو به پایین جریان دارند و گاهی ماهی‌های کوچکی در این ریزش، شناور هستند، به تصویر درآمده است. در مواردی او را نشسته در بنایی محصور در جریان آب یا قایقی که در آب‌های رودخانه یا مرداب حرکت می‌کند یا در حال پذیرفتن پرستش‌گران و حاملان هدایا نمایش داده‌اند. الهه‌هایی که ظرف یا گلدانی فوار به دست دارند نیز از مخلوقات مرتبط با انکی به شمار می‌روند. در ایلام نیز نحوه نمایش خدای آب تا حد زیادی برگرفته از بین‌النهرین می‌باشد، به طوری که در مواقعی تمیز دادن آن‌ها از یکدیگر سخت می‌نماید. آن چه در این بین راهگشا می‌باشد، ذوق و خلاقیت ایلامی‌ها در شیوه ارائه می‌باشد. به عنوان مثال اگر چه خدایان و الهه‌گان با ظروف فوار به دست را ایلامی‌ها از همسایه غربی خود وام گرفتند، در عین حال از شاخصه‌هایی بهره بردند که متعلق به خودشان بود. این ویژگی‌ها در نقش برجسته کورانگان به وضوح دیده می‌شود؛ در این جا زوج الهی را در صحنه‌ای مذهبی نشان داده شده که ایزد ظرف فوار را در دست گرفته بر تختی از مار چنبره زده جلوس کرده است. در اطراف آن‌ها، پادشاه و بستگانش قرار دارند و در صحنه‌ای دیگر گروهی از مردم به حالت احترام بر پلکان‌هایی قرار گرفته‌اند. الهه با ظرف فوار اگر چه عقبه‌ای بین‌النهرینی دارد، اما در ایلام به صورت زنی که نیمی از بدنش جریان آب می‌باشد، تصویر شده است؛ نقشمایه‌ای که حاصل ابتکارات هنرمندان ایلامی بود و به همین علت بر خلاف همه سنت‌های کهن، ظرف فوار در دست ندارند. البته نمونه مذکر این الهه هم در این منطقه یافت شده است. بز- ماهی و انسان- ماهی به نوعی ملازمان خدای آب در سرزمین میان دو رود به شمار می‌روند که به ایلام هم وارد شدند. این ایزد یا بر روی بز- ماهی می‌نشست و یا بر روی تخت یا چهارپایی دیگر جلوس می‌کرد و پاهایش را بر روی این موجود قرار می‌داد. انسان- ماهی‌ها نیز در بیش تر ادوار هنر بین‌النهرین حضور داشته‌اند، حتی در اسطوره آفرینش بابلی به عنوان دسته‌ای از مخلوقات تیامت برای جنگ با سایر ایزدان مطرح شده‌اند. از طرفی کارکرد دیگری که برای این موجودات در نظر گرفته شده؛ محافظت از رودها و ماهی‌ها بوده است. زن- ماهی در ایلام شکلی منحصر به فرد می‌گیرد، در حالی که به صورت نشسته نمایش داده شده، از پشت با یک زاویه نود درجه به بدن یک ماهی متصل شده است. بر اساس نمونه‌های به دست آمده مشخص شد که این آثار، کارکردی مذهبی و آئینی داشته‌اند. در شهداد نیز ایزد بانویی با رشته‌های آب در حال ریزش از شانه‌هایش به تصویر درآمده است. با توجه به شرایط آب و هوایی این منطقه وجود چنین موجودی کاملاً طبیعی است. در مناطق یاد شده - بین‌النهرین و ایلام- معمولاً ایزدی مذکر در

چنین حالتی نمایش داده می‌شد، حال آن‌که در این جا یک ایزد بانو جای ایزدان را گرفته است، به نظر می‌رسد امور اجتماعی این ناحیه هنوز به صورت مادر شاهی اداره می‌شد و زنان، برتری مقام اجتماعی خویش را در نواحی مزبور تا حد زیادی حفظ کرده بودند.

منابع و ماخذ

- آمیة، پیر، تاریخ ایلام، ترجمه شیرین بیانی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
- بلک؛ جرمی، گرین؛ آنتونی، فرهنگنامه خدایان، دیوان و نمادهای بین‌النهرین باستان، ترجمه پیمان متین، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳.
- بهار، مهرداد، از اسطوره تا تاریخ، گردآورنده و ویراستار: ابوالقاسم اسماعیل‌پور، چاپ اول، نشر چشمه، ۱۳۷۶.
- پرادا، ادیث، چغازنبیل (دور اونتاش)، ترجمه اصغر کریمی، جلد چهارم: حکاکی‌ها، چاپ اول، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۵.
- پرادا، ادیث (با همکاری رابرت دایسون)، هنر ایران باستان (تمدن‌های پیش از اسلام)، ترجمه یوسف مجیدزاده، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.
- دلپورت؛ ل، ژیران؛ ف، لاکوئه؛ گ، اساطیر آشور و بابل، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، چاپ اول، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۵.
- حاکمی، علی، کاوش‌های باستان‌شناسی شهداد، چاپ اول، انتشارات پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران، ۱۳۸۵.
- صراف، محمدرحیم، مذهب قوم ایلام، چاپ اول، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ۱۳۸۴.
- کریم، ساموئل نوح، الواح سومری، ترجمه داوود رسایی، شرکت سهامی افست انتشارات فرانکلین، تهران-نیویورک، ۱۳۴۰.
- گریمال، پیر، اسطوره‌های بابل و ایران باستان، ترجمه ایرج علی‌آبادی، چاپ چهارم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷.
- مجیدزاده، یوسف، تاریخ و تمدن ایلام، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۱.
- مجیدزاده، یوسف، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، جلد سوم: هنر و معماری، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۰.
- واندنبرگ، لویی، باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- هرتسفلد، ارنست، ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی زاده، چاپ اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۱.
- مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال سوم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۶۷.

Amiète, Pierre, Glyptique Susienne, Mémoires De La Délégation Archéologique En Iran. Tome XLIII, Paris, 1972.

Hakemi, Ali, Archaeological Excavations of a Bronze Age Centre In Iran. ISNEO-ROME, 1997.

www.BritishMuseum.org

www.Louvre.fr

www.Metmuseum.org